فعالیت مصوّنیت دولت‌ها و قواعد آمره در پرتو رأی مصوّنیت صلاحیتی ۲۰۱۲

ستار عزیزی
دانشگاه غرب حقوقدان‌باشی، ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا

چکیده
در خصوص ارتباط وب تأثیر قواعد آمره بر مصوّنیت دولت‌ها، در دیدگاه وجود دارد. گروهی به پژوهش قواعد آمره بر قواعد عادی حقوق پیش مملکت با جمله مصوّنیت دولت‌ها اعتقاد دارند. به این ترتیب آنها از قواعد مالک این نظر مصوب قبلاً می‌گویند و درستهای دیگر از حقوق دانان و رعایای مصوّنیت دولت‌ها را حتی در موارد نقض قواعد آمره نامیده‌اند. این نگاه از حقوق دانان معتقدند که قواعد آمره نظر به تنظیم رفتار ماهوی، و قاعدای مصوّنیت دولت‌ها به تنظیم قواعد شکلی مرتبط است. به عبارت دیگر، حامیان این ویژگی بر این می‌پردازند که مبانی قواعد آمره و قاعده مصوّنیت دولت‌ها تعاملی و وجود ندارد. زیرا قاعده مصوّنیت دولت‌ها به حوزه اجرای قواعد ماهوی مربوط می‌شود و به دلیل مخاطب قواعد آمره نمی‌پردازد و به آن ارتباطی ندارد. دوستان بین‌المللی دادگستری در رأی مصوّنیت صلاحیتی ۲۰۱۲ از رهیافت اخیر حمایت کردند.

واژگان کلیدی
رأی مصوّنیت صلاحیتی، قواعد آمره، قواعد پنایی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، مصوّنیت دولت‌ها

Email: satarazizi@ymail.com

راهنمای گواهینامه حریم خصوصی واردات و صادرات، ۱۳۹۲، شماره ۳، تاریخ ۳ آذر ۱۳۹۲، صفحات ۱۶۶ - ۱۷۷

فاکس: ۰۲۱۱۸۲۹۲۵۷۰

۱۳۹۲/۱۱/۲۴ - تاریخ تمواضع: ۱۲۸/۱/۱۳۹۲/۲۴
المقدمة

جمهورية فدرال ألمانيا في 23 ديسمبر 2008 دعاوي را عليه جمهورية إيطاليا في ديوان به تبث
رسان. ألمان مدعي بود ك دولت إيطاليا با بذرش اقامة دعوى مدغ دربة قضا حقوق
شتر بوسطانة أرضة حكومت رايش في ميان سال. ها تا 1945،.

اقباث إجريبا علي موال دولت ألمان و با اعلام انيكه احكم دادهبهي يونان في إيطاليا قايل.

اجراست، مصوينت قضايا آن كشور را بترحق قرارات حقوق بين الملل盧 يقض كره است.

ألمان به ماد 1 کوانوسون اروپاي حل و فض مسالمة أمير اختلافات (مصوب 29 أبريل
1957) هب عنوان ميلتي ايجاد صلاحيت ديوان في اين قضية استناد كرد. نظر به اینكه از اتباع
دولت إيطاليا ك ديوان قاضي ای وجد نامت. لذا افای 'جورجي گاجا' هب عنوان قاضي مبناه،
دلت إيطاليا تعین شد. دولت يونان در 13 جوانیه 2012 خواهن ورود به قضية به عنوان دولت ثالث
شد و چون هیج کام پرخ اصلی ای این نقاش مخلوقت تکردن. لذا دیوان در 14 خواهی به
يونان اجازه ورود به دعوا را یاد. الیه مجروح این دعوا نیا در مورد ارا محاکم. یونان که در

ایتالیا لازم است که شده‌ند. داده. شد.

ایتالیا هیچ اعتراضی به صلاحیت دیوان نداشت، اما از دیوان مخسات تا اعلام نماید که
دعاوی آلمان پایه و اساسی ندارد. مهم‌ترین استناد ایتالیا از اتکار مصوینت دولت آلمان این
بود که اعلال و اقدامات زبانیه دولت آلمان. قض قرارت حقوق بين الملل اقیف
می‌شد؛ بنحوی که می‌توان آنها را به عنوان جنایات جنگی و یا جنایات عملی به‌شیرین تویسف
کرد و نظر به اینکه ارتكاب اعمال باشد نقض قواعد آمره حقوق بين الملل می‌باشد. لذا
دولت آلمان نمی‌تواند در خصوص این اعمال به قاعدای مصوینت دولت‌ها نزد محاکم ایتالیایی
استناد کند. از این استناد با عنوان 'عدم مصوینت در موارد نقض قواعد آمره' نام برد.

می‌شد.

ایتالیا در تأیید نظر خود به دفاع دیگری نیز متعول شد. ایتالیا مدعي بود که شاکان در
طرح دعا به دولت آلمان در محاکم ایتالیا حاصل از این جهت متحب بوهاند که هیچ راه حل
مؤثر جرجی دیکی برای برداخت غرامت به قربانیان باقی نماند. زیرا طرح دعوا در محاکم
داخلی آلمان به تبعه‌ای نرسیده و آلمان نیز ناکام حاضر به پیرو طرح دیوان این دعوا در محاکم
بين المللی نشد است. از این استناد می‌توان با عنوان 'آخرین راه حل جبرانی' (Last Resort)
نام برد.

نگارنده نتایج می‌کند که این موضوع را در دو تفاوت بررسی کنی. در تفاوت اول، تعلیم
مصوینت و قواعد آمره در نظریات علما حقوق بين الملل، ارا دیوان اروپای حقوق بشر و
نیز در آرا محاکم ملی کشورهای درگیر مسئله تا قبل از زمان صدور رأی دیوان، مورد مطالعه

128

فصلنامه حقوق، دوره 43، شماره 3، پاییز 1392
عالی مصونیت دولت‌ها و قواعد آمره در پرتلو ...

و از زیبای قرار می‌گیرد و سپس در فناوری دوم همین موضوع از دیدگاه رأی اخیر دیوان بینالمللی دادگستری و آرا ملکی که مربوط به قاومتی انسانی بشر در سواد قواعد عادی است، به دقت مطرح می‌شود.

کفتار نخست - تعامل مصونیت و قاعدة آمره تا قبل از صدور رأی دیوان

با ورود مفهوم قاعدة آمره به کانون‌سازی حقوق معاوضات (ماده ۶۳) و اعلام بطالان معاهده‌ها از میان قواعد عادی در تمامی حوزه‌ها از مقوله کسرته‌های حقوقی، در حوزه حقوق مصونیت دولت‌ها نیز این سوال مطرح شد که چه رابطه‌ای میان قواعد آمره با قاعدة رعایت مصونیت دولت‌ها برقرار است؟ در پاسخ به این سوال، دکترین حقوقی و روبه‌روی قضایی پاسخ متفاوتی ارائه داده‌اند.

گروهی رعایت مصونیت دولت‌ها را حتی در موارد نقض قواعد آمره لازم می‌دانند (البته با رعایت دیگر محدودیت‌ها بر مصونیت)، اما عده‌ای دیگر رأی آمره به قواعد عادی حقوق بین الملل، از جمله مصونیت دولت‌ها حکم داده‌اند.

بند اول: رعایت مصونیت حتی در موارد نقض قواعد آمره

همان‌گونه که گفته شد، گروهی از حقوق معاوضات (ماده ۶۳) و اعلام بطالان معاهده‌ها از میان قواعد عادی در تمامی حوزه‌ها از مقوله کسرته‌های حقوقی، در حوزه حقوق مصونیت دولت‌ها نیز این سوال مطرح شد که چه رابطه‌ای میان قواعد آمره با قاعدة رعایت مصونیت دولت‌ها برقرار است؟ در پاسخ به این سوال، دکترین حقوقی و روبه‌روی قضایی پاسخ متفاوتی ارائه داده‌اند.


دیگر، حامیان این رضایت بر این باورند که میان قواعد آمره و قاعدة مصونیت دولت‌ها رابطه‌ای جویانه دارد، زیرا قاعدة مصونیت دولت‌ها به حوزه اجرا قواعد مالی مربوط می‌شود و به محتمل قواعد آمره نمی‌پردازد و به آن ارتباطی ندارد. در واقع در این رضایت، میان جویانه قواعد مالی و عرضاً قواعد شکلی، ارتباط و تمایز وجود دارد و این دو موضوع اینکه تنها با یکدیگر ندارند. قاضی "بیلونیا" از قضات اکثریت در قضیه "الاساسانی" در رأی ایراداتی خود، دلیل دیگری نیز در تکمیل و تأیید رأی دیوان اروپایی حقوق بشر داده می‌کند. وی معنی است اگر مصونیت دولت‌ها در نزد حاکم دوستان خارجی را نادیده بگیرد، این خط مرگ وجود دارد که با هر مرجع حتی موانع شریف، چه آنکه دولت‌ها ممکن است درباره وقایع تاریخی که مدتی قبل روز داده است، با حجم عظیمی از دعاوی
روبرو شوئن. مضاف بر اینکه اغلب این دعاوی ممکن است در کشوری مطرح شود که به دلیل غرفش ویژه و یا بیشتر سیاسی از انتقال خود، گذاری داده شده اما شاید در مورد دولت خوانده اجرای تکنولوژی (Bartsch and Elberling, 2003:484) فرضیات مستقل برخورد نیستند. ممکن است علیه دیگر کشورها به ناحیه به صورت رای ایجاد نمایند (Ibid, 439) نیز عبارتها قابل تأمل نوشته است. وی می‌گوید: "نظارت قبلی منفی که در آن، قضاط کشورهایی در حال توسیع با کشورهای غربی در مورد عملکرد کشورهای صنعتی ای اسراییل و یا باعکس به فضاوای بنشینند تا دردسر خود از رعایت مقررات حقوق بین‌الملل و یا حداکثر قواعد آمریکا و برزیل (Bartsch and Elberling, 2003:485) کنند.

ادعا شده است که رعایت مصونیت دولت خارجی ممکن است در تنهایی به عدم حسب ضرر منفی شود و یا به دلیل نقوش به جبران خسارت دست یابد. اما "زیمرمن" در پاسخ به این اشکال نوشته است که رعایت مصونیت دولت خارجی به معنی رها کردن قربانی بدون حمایت در عرصه بین‌المللی نیست (Zimmermann,1995:438) وی اضافه می‌کند که مصونیت دولت‌ها غیر مضمون ضریب قضاطی که این مصونیت دولت‌ها در فضای داده‌های تکنیکی است، یا مقایسه بر که اصل اساسی حقوق بین‌الملل به شیک سازی تساوی جدیت دولت‌های (Ibid, 440) دلیل محاکم داخلی نیز معمول که به رعایت مصونیت دولت‌ها (Cassese, 2005: 106-107) نشان می‌دهد این ادعا مؤثر آمریکا و برزیل در موارد شکنجه باند (70106) در دیوان اروپایی حقوق بشر نیز این رایانه رنگی شده است. در قضیه اهدایی، از دیوان خواسته شد که اعاده نماید که محاکم بریتانیا با خواداداران بال氩گی به دعوای ارتکاب شکنجه در کشور کویت از مصونیت دولت‌ها در دادگاه عالی هر کشور بوده و ۷ کوتونسون اروپایی به کشور کرد. اماده کارآموز خلبانی بود که پس از اشغال کویت در سال ۱۹۹۱ به این کشور رفت تا به جنبش مقاومتی کمک کند. وی در آنجا مورد شکنجه و سوئیسی سکنی از سوی شیخ کویتی و استانت به مقامات آن کشور قرار گرفت. او در محاکم بریتانیا علیه دولت کویت طرح دعا کرد، ولی شیک اموال شخصی در بریتانیا نداشت و در نتیجه این طرح دعا علیه شیک نداشت. محکمه به دوی کویت نمی‌تواند از مصونیت بهره‌مند شود. زیرا این کوتونسون اروپایی به پرونده شکنجه در کشور کویت سوگیر شد. وی از دادگاه تجدیدنظر در این رأی را نقض کرد. به نظر دادگاه تجدیدنظر، اکثر مصونیت نه از مواردی قابل استناد است که موجبات آن در قانون تصريح شده باشد و اکثر مصونیت به دلیل نقض مقررات حقوق بین‌الملل جزء موجبات نیست. آقای الادامسی به دیوان اروپایی حقوق بشر مراجعه کرد و ادعای آن ممه‌که را رای دادگاه انگلیس ناقض ماده ۶ کوتونسون است.
کمک مسئولیت دولت‌ها و قواعد آمره در پرونده...

(2009:412) (Czapinski, 2009:412) حق استادی به مصونیت را ندارد و محاکم انگلیس نیز به دلیل رعایت حقوق افرادی مصونیت دولت کویت، حق دسترسی عادلانه شاکی به محاکم (ماده 14 کانویسون اروپایی حقوق بشر) را نقض کرده‌اند (2003:297) (Voylakis, 2003, p.297). دولت اروپایی پذیرفته که قاعدة ممنوعیت شکنجه از جایگاه قاعدتا آمره برخوردار است. اما این دیوان بر اعتراض مصونیت حتی در موارد نقض قواعد آمره تأکید کرد. قوانین ازسردی در قضاوت ادعایی (دیوان اروپایی حقوق بشر) با 19 میلاد در یک مخالف اعلام کرد؛ دیوان تنوانست به این تنبیه برسد که حقوق بین المللی این فرد را پذیرفته است که دولت‌ها به ارتباط با دعاوی مدنی مربوط به خسارات ناشی از شکنجه‌ای که در خارج از کشور مقر دادگاه روي داده است، مصونیت دولت‌ها و جو وارد دارد (34 EHRR, Para.54) (Al-Adsani, 34 EHRR, Para.54). در قضاوتی (فوگارتی) (Bouzari v. Iran, paras.18-34) (34 EHRR, Para.54) (Al-Adsani, 34 EHRR, Para.54) دیوان رعایت مصونیت دولت خارجی از سوی دولت‌های عضو کانویسون اروپایی حقوق بشر را معتبر تهدیدات آنان تنوانست. در هر سه دعاوت پاکشه دیوان اروپایی حقوق بشر برخلاف شاکیان، از قاعدة مصونیت دولت‌ها حمایت کرد و به این تنبیه رسید که ماده 6 سازمان صورت شیوع و مناسبات قابل توجه مجدد را دارد تا بتهداد بین المللی کشورها در خصوص رعایت مصونیت دولت‌های خارجی می‌گیرد.

نداشته باشد.

در پایان می‌توان به رأی مجلس لرده در پرونده جوزه علیه عریانی‌سعودی اشاره کرد که پس از قضاوتی الامدلی صادر شد و دیوان علیه انگلستان بر مصونیت دولت عریانی‌سعودی تأکید کرد. دادگاه تجدیدنظر انگلستان اعلام کرد که ماده 14 کانویسون منع شکنجه طراحی نشده است که دولتی دیگر (دولت ب) در نظام دادگستری مدنی خود، در مورد اقدامات روز داده شکنجه در کشور دیگر (الف) جریان خسارت مقر نماید. در نتیجه دادگاه اعلام کرد که دعاه Unite وزارت کشور عریانی‌سعودی به دلیل مصونیت دولت‌ها غیرقابل پذیرش است) (Donovan, 2006, p.150).
البحث في در سه دعا قضايا مخالفي نيز بودنر كه در مورد حقوق قابل اعمال با قضايا
Archivo بشكل إضافي تطور محدود كرد. همجنین به
ستة دعا قضايا بين العمل و لزوم رعايت روستان و نزاكرز از طريق رعايت
حاکمیت برابر اشعار کرد (54) (Al-Adsani, 34 EHRR, Para. 54) (در واقع دیوان اعلام داشت که
دولته اصولاً حسن دادن در قارچوب دکترین حاشیه صلاحدید. برخی تضمین‌های حقوق
بیشتر را محدود کنن؛ مشروط بر اینکه برای تعیین هدف مشروط باید. در این موارد نیز
دولته با رعایت یک قاعدة حقوق بینالملل، تضمین مدرج در ماده 8 را محدود کردند.
در نتیجه نمی‌توان محدودیت باید شده را محدودیتی نامت显 با رعایت ماده 8 کوانسیون
اروپایی دانست.

در هره س پیش، دیوان به کوانسیون اروپایی مصومین دولته به عنوان بنا به
مربوطه (در آن زمان) اشاره کرد و از نظر دیوان کوانسیون مربوطه، انعکاس حقوق بینالملل
عرفی بود. اما حقوقی دانی معتقد است این ادعا چندان صحیح به نظر نمی‌رسد، وزیر در آن
زمان تها 8 دولته این کوانسیون را تصویب کرد. دیوان و در واقع به‌نظر می‌رسد که
کوانسیون مذکور انعکاس نظر کشورهای اروپایی نیز محسوب نمی‌شود. چه رسد به آنکه ادعا

کمی که انعکاس یک قاعدة عرفی جهانی تلقی گردید.

بنده دوم: عدم مصومیت در موارد نقض قواعد آمره

عدای دیگر از حقوق دانان به برتری قواعد آمره بر قواعد عادی حقوق بینالملل از جمله
مصومین دولته از اعتقاد جدید به اعتقاد آنها لزوم رعایت. قاعدة آمره مالی اعطای مصومین در

در واقع این گروه از حقوق دانان معقده که لازم تشکیل ضمین رعایت هر
Bartsch قاعدة آمره آن است که در حق قواعد شخصی، تضمین کننده آن قاعدة رعایت کرده
(عهدات Jus Cogens). و جنین استدلال می‌شود که نیز قاعدة آمره (and Elberling, 2003:486
عهدات) ایجاد می‌کند: عنوان به دولتی می‌تواند تأکید نقض قاعدة است. این نکته حاوی
بنا بر قاعدة شخصی آمر شهست یا ایجاد محدودیت بر اجرا را محدود کند. لذا هیچ
دولتی نمی‌تواند در موارد مربوط به نقض قواعد آمره به مصومین دولته ایجاد
(And Elberling, 2003:487)
تعامل مصونیت دولتی و قواعد آمره در پرتو ...

ارکش ویلی معترض است که مصونیت حتی اگر در حقوق داخلی قاعدایی شکلی باشد، اما در نظام حقوق بین‌الملل قاعدایی هموگون دیگر قواعد است که ممکن است در مواردی با قاعدای آمره (هموگون ممنوعیت شکنجه) در تعارض قرار گیرد و در این صورت قاعدة آمره برتری خواهد داشت. اصولاً این حقوق دان تفکیک میان قواعد شکلی و ماهوی در نظام حقوق Orakhelashvili، داخلی را به همان شکل قابل تعییم به نظام حقوق بین‌الملل می‌داند (868-908:2008). این حقوق دان تأکید دارد که ماهوی آمره بودن یک قاعدة مستلزم است که بر آثار حقوقی نقض آن قاعدای اثر گذارد. وی تعیین و تفکیک میان قواعد ماهوی و شکلی را نمی‌پذیرد و این استدلال را به جالس می‌کند که مصونیت به معنای عدم مستندی نیست، زیرا مصونیت شکلی و مستندی امری ماهوی است. با اعتقاد «ارکش ویلی» باید از ظاهر این عبارت گذشت و به نتیجه عملی آن نظر کرد؛ چه آنکه بی‌پرهاش مصونیت عملی به بی‌کفایی می‌انجامد به نحوی که خطاها بی‌پرهاش جبران بالقوه می‌ماند و عملی راه‌حل دیگری باید شل مستند باقی نماند (969:۱۱). این نویسنده با انتقاد از آرای صادره از سوی محاکم انگلیسی (در قضایای جنرال و ایمنی) که مصونیت دولت‌های عربستان و کویت را پذیرفته بودند، می‌گوید که این محاکم با شناسایی مصونیت دولت‌های شکنجه‌گر، تنا را راه جلو و مرجع جبران ضرر قربانیان را از بین بردهاند و این امر عملی به بی‌کفایی و عدم مستندی مرتکبان عمل خلاف حقوق بین‌المللی می‌انجامد. در نتیجه با تأیید عملی بی‌کفایی و بی‌مستندی دولت‌های خطکار، وضعیت ایجادشده ناشی از نقض قاعدة آمره را بر خلاف قاعدة 61 طرح مستندی بین‌المللی دولت‌ها، قانونی شناخته شده است (970:۱۹88، p.۸۷۹). اینکه نیز ماهوت از این دیدگاه در لایحه معاله خویان نوشته «اگر حق ماهوی نقض شده در زمره قواعد آمره باشد، در این صورت حق اقامه دعوی در آن مورد ویژگی آمره برخوردار خواهد بود» (Counter-Memorial of Italy,p.76,paras.4.93-4.94).

نویسنده دیگر نیز معترض است که هر جنگ قواعد سنتی آمره (هموگون ممنوعیت ارتكاب جنایات جنگی) قاعد عناصر شکلی است، اما ممکن است برخی شیوه‌های اجباری مفرط حقوق بین‌الملل، تخریب به سطح قواعد آمره باشد. این امر نیازمند رسیدن به سطح توسعه در دو مرحله می‌باشد:

1. در مرحله اول، دولت‌ها ممکن است به این توافق جمعی بررسی که باید حمایت از منافع بنیادین جامعه بین‌المللی، لازم است هر نوع تحقیق از آن قاعدة ماهوی ممنوع باشد.
در مرحله دوم و به منظور تضمین اجرای موثرتر آن قاعده‌های ماهوی، ممکن است به توافق جمعی دیگری بررسی که در برخی یا تمام موارد نقض آن قاعده‌های ماهوی، دولت‌ها (Bartsch and Elberling, 2003: 485) ترجمه شده باشد.

حتماً این رفتار در آرای برخی قطعات محکوم بین‌المللی و آرای برخی محکوم داخلی انعکاس یافته است. گفتنی است که در روبه‌روی قضاوت‌های داخلی مسئله‌ی بانی قاعده مصوب می‌باشد و قواعد بین‌المللی حقوق بشر اولیه بار در سال ۱۹۸۰ میلادی با صدور رای اول این قاعده (Sena and Vittor, 2005: 90) ایجاد کامل در قضیه تورر سیاسی اولریشتو ولیه، آغاز گردید. این اتفاق مصوبیت دولت آلمان به دلیل مغایرت با حفظ حقوق بین‌المللی بشر اولیه بار در دادگاه ایالتی آمریکا (Prinez v. Federal Republic of Germany, Finke, 2011: 866) تجدیدنظر نقض گردید.


در نظر مخالف قطعات اقلیت دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در قضیه ایتالیایی به موضوع برتری قواعد آمره بر دیگر قواعد حقوق بین‌الملل تأکید شده است. در نتیجه این قطعات دیوان اروپایی حقوق بشر در رأی مخالف مشترکی که در قضیه ایتالیایی صادق و کردند. به‌صرفه بر
گفتار دوم- رهایت دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مصونیت صلحیتی

دولت (رای ۲۰۱۲)

همان‌گونه که گفته شد، ایتالیا در انتقال مصونیت دولت آلمان از جملهٔ به دو استدلال اساسی متوسل شد؛ استدلال اول آن بود که دولت‌ها در موارد نقض قواعد آمره از مصونیت برخوردند و استدلال دوم اینکه قرائن‌های جزا یا توسیع به محاکم داخلی ایتالیا، راهکار دیگری برای جبران خسارات خود ندارند. هر یک از دفاع‌ها در بندی مجزا بررسی می‌شود.

بنابراین، تعمیل مصونیت و قاعدای آمره ایتالیا در موارد نقض قواعد آمره برای قطع مصونیت دولت‌ها به عوان کیا از مهم‌ترین دلایل خروج در قضیه مصونیت صلحیتی دولت در پیشگاه دیوان بین‌المللی دادگستری (دیوان بین‌المللی دادگستری) چنین اظهار داشت:

الف) اقدامات دولت آلمان که باعث طرح دعا از سوی افراد علیه آن کشور در محاکم داخلی ایتالیا شده است، به آن دسته از اقدامات نیروهای مسلح مربوط می‌شود که با عوان جنایت جنگی و یا جنایت علیه بشرت توصیف می‌شوند (قانونهای همچون کشتار غیرنظامیان و یا کار و بردگی اجباری).

ب) اقدامات مذکور، نقض قواعد آمره (ب) حقوق بین‌الملل حسبه (Jus Cogens) قواعد ملزم ماندی شده است و به معنی کار اجباری.

س) دولت‌ها در موارد نقض قواعد آمره حق استفاده به مصونیت را از دست می‌دهند (Judgment, para. 80).

د) نظر به این واقعیت که آلمان تفاهمات مطالابه غرامت از سوی قرائن در محاکم داخلی آلمان را رد کرده است، حاضر به پذیرش طرح موضوع در محکمه‌ای بین‌المللی نیست؛ لذا رعایت مصونیت دولت آلمان در محاکم داخلی ایتالیا به آن مفهوم است که "آخرین راه حل جیرایی" برای قرائن‌های نادیده گرفته شده است و به این ترتیب قواعد آمره جایگاه برتر خود در حفظ نظام بین‌المللی را از دست می‌دهند.

دولت ایتالیا مدعی بود که مفهوم قاعدای آمره به حوزه قواعد اولیه حقوق بین‌الملل محدود نمی‌شود، بلکه در موارد نقض‌های شدید آن قواعد آمره اولیه به مراجع در دسترس باید.
دریافت و تدابیر نیز مربوط به شرکت (89). دولت پوئن
نیز تماشا می‌کند ماهوی (قاعدتاً شرکت) با قاعده منابع مالی (معلومت دولت) را فاقد ارزش
حقوقی داشته‌است، که این قاعده شکلی نمی‌تواند بر قاعده ماهوی (قاعدتاً شرکت) اولویت داشته
باشد، زیرا این دست و دست یک‌دستی قاعده آمره می‌گذارد و در موارد دولت مرتبک
مقدار آن قواعد، به دو کیفی که به انجام انجامید (123).

گاجا (قاعده ویژه ایتالیا) نیز در نهایت مشکل بود نظر به وجود حوزه خاکی در حوزه
استنادی به جرم یا به لحاظ جایگاه قواعد آمره در نظام حقوق بین‌المللی، حداکثر می‌توان
کرد که منابع ایتالیا در عدم پذیرش معرفت دولت آلمان، ناقص معرفت حقوق بین‌الملل
نویده‌اند؛ به عبارت دیگر «حتی اگر ب мероприятия که تمامی فعالیت‌های نظامی در سرمزم مقر
دادرس از مصونیت برخورد است، باعث مصونیت را حداکثر در مورد کشتار غیرنظامیان با انجام
شکنجه در سرمزم مقر دادرس بی‌ربطی شده» (10).

دیوان به صراحت پذیرفته که اقدامات نبردی آلمن و دیگر ارکان دولت آن کشور
به موضوع طرح دعا دعا در محاکم ایتالیا بوده، معرفت حقوق مصونیت محاسبه‌ای را تشکیل‌داد
فلسفه کره است، اما این سوال را قابل طرح داشته که آیا دولت آلمن همچنان سازوار ادعای
به‌هم‌میانی از مصونیت می‌باشد (ICJ Judgment, para.81)، دیوان برخلاف ادعای ایتالیا، تعارض
با قاعده عرفی (مصونیت دولت) مشاهده کرد. دیوان معمول
اعتقاد حقوقی دانه کره اول، بر این اعتقاد بود که تعارضی میان قواعد یاد شده وجود ندارد،
زیرا حوزه‌ای عامل و قاعدتاً متافاکست است، «مصونیت، قاعده‌ای شکل‌ای است که منع عامل
صلاحیت دادرس بی‌ربطی کشور به‌شکلی که شرکت دیگر می‌شود اما به بررسی معرفت قانونی عامل
روی این نمی‌پردازد، شناسایی مصونیت بی‌ربطی دولت در پیشکار دادرس خارجی به معاون
شناسایی معرفت بی‌ربطی یک وضعیت ناشی از این قاعده آمره و قانونی دانسته‌اند و با کمک
حقیق آن و وضعیت نیست در تبیین می‌گذارد پدر در ماده 41 طرح مصونیت بین‌المللی
(ICJ Judgment, para.93). دولت‌ها به‌طور مشابه، بوده.

بنا برای ریزبان جریان دادگستری برخلاف نظر «ارکش ویلی» بر این
باور است که اعتای مصونیت صرفه‌زا همگی دعا به مرجعی دیگر است و حتی اگر مرجع
دیگری باید رسیدگی نیز وجود ندارد. شناسایی مصونیت دولت خارجی توسط کشور
مقر دادرس را نمی‌توان به معنای مشترک در نقض قاعده آمره دانست (ماده 41 طرح مصونیت
بین‌المللی دولت‌ها).

دیوان بر این باور بود که نشانه‌های مصونیت دولت آلمن در پیشکار محاکم داخلی ایتالیا به
معنای یکی‌زبان بی‌ربطی اقدامات خلاف قواعد آمره دولت آلمن در طول دوران جنگ دوم
جهانی توسط که همگان از جمله طرفین دعا بر غیرقانونی بودن آن اتفاق نظر دارند. به اعتقاد
دیوان، آلمان مرخص است که خسارت نسبت به اعمال خلاف حقوق بین‌الملل را جبران کند. اما
این قاعده (تعدیل به جبران خسارت) موجودی مستقل از قواعدی دارد که به موضوع ابراز و
شیوه‌های چگونگی تحلیل جبران خسارت می‌پردازند (para.94).

به اعتقاد دیوان، حقوق مصونیت دولت‌ها به سمالی مسئول و دادگستری، بین‌المللی و
شیوه‌های چگونگی تحلیل جبران خسارت، مربوط می‌شود. این تصمیم که آیا دولتی خارجی
از مصونیت برخوردار هست یا نه، تعارضی نه با تعهد به جبران خسارت دارد و نه با قاعده‌ای
که عمل ماهوتی خلاف حقوق بین‌الملل را ممنوع می‌داند (para.94). در این پاره، از
جعله به قضیه «فرار بهادانست» استناد می‌کند. در آن قضیه، دیوان بدون اشتیاق به مفهوم قاعده
آمره، اظهار داشت: ارزیاب اتهام به وزیر امور خارجه کنگو به ارتباط اعمالی که بدون تردد از
ویژگی قاعده آمره برخوردار بودند، دولت کنگو را از استناد به مصونیت به عنوان حقی در
حقوق عرفی مصرف نمی‌کند (ICJ، Arrest Warrant, para.58). در قضیه حاضر نیز دیوان معتقد
است؛ هنگام استنادال دولت قابل تعیین حقوق بین‌الملل عرفی در مورد مصونیت
دولت از رسیدگی در برابر محاکمه دولت دیگر قابل طرح است. (Jurisdictional Immunities of
the State, para.95).

دیوان در تحلیل استنادال خود نوشت، اگر این قاعده را پذیرده که دولت‌ها در موارد
نقض قواعد آمره از مصونیت برخوردار نیستند، اما در موارد نقض قواعد عادی مصونیت
خواهند داشت، یا این اشکال منطقی مواجه خواهیم شد که در هر مورد دادگاه پایه‌ای بده
بررسی دعا بودند و اثبات واقعیت وقوع آنها در انتظار داده خواهند کرد. (para.82)
می‌توان نقض قاعده آمره دانست یا نه و در این صورت دیگر دولت‌ها در حق موردی از
مصونیت برخوردار نخواهند بود؛ به عبارت دیگر دیوان مصونیت را نه در برابر این نامی دانست.
(ICI Judgment, para.82).

مهمیمن دیوان در تاپید راهانداز جدید به آرا محاکمه ملی چند کشور از جمله ائلستان،
کانادا، لهستان، استرالیا و ترینیداد، تارانته ارائه کرد و آرای محاکمه ایتالیا و پوئن در قضیه
دیستاروا را نه استناد در این میان دانست (para.83). به اعتقاد دیوان، در اصل قانون
کپنهاگ 1962 می‌باشد و نموده مشابهی از این قانون در دیگر کشورها وجود ندارد؛ اما نمی‌توان آن
را بناگر حقوق بین‌الملل عرفی دانست (para.88). حال توجه است که گیا (فاضل و پزشک
ایتالیا) این در نظر مخالف خود، به این نکته اشاره کرد. می‌نویسد: «گرر کاری کمیسیون
حقوق بین‌المللی که امکان عدم وجود مصونیت در موارد تفسیل قواعد آمره را بررسی کرد، تنها توانست به دو راه در این رابطه استناد کند که آن هم اساس قانون «مبارزه با ترویج سال 1992» صادق شود بودند. این قانون جهت اصلاح قانون مصونیت دولت‌های خارجی تصویب شد و در شرط برای تبدیلی و گرفتن مصونیت دولت خارجی برقرار کرد. اگر قریب‌الاوهای بالایی با شاکی، تنها دولت ایالت مشترک آمریکا باشد، به مبتلایه نقش قواعد دولت فرانسه ندارد. مضامین قانون از قوانین داخلی مصونیت دولت‌ها به کمک مصونیت در (Gaja Dissenting Opinion, para. 11) موارد نقد قواعد آمره اشاره نشده است.

دیوان خاطرات وردک در کانونسیون‌های بین‌المللی مربوط به مصونیت دولت‌ها هنگ مقرره‌ها وجود ندارد یا در موارد تفسیل قواعد آمره از مصونیت محروم کند (para. 89).

گفتنی است که در گروه‌های کاری ویژه که توسعه کمیته شمم مجمع عمومی جهت بررسی دقیقتر طرح ارسالی کمپانی حقوق بین‌الملل ایجاد شده بود، موضوع وجود یا فقیدان مصونیت در موارد تفسیل قواعد آمره در مایه هفت موضوعی قرار داشت که در خصوص آنها میان دولت‌ها اختلاف نظر پیدا کردند.

در سال 2000 مجمع عمومی از دولت‌های که چه علی‌رغم تفاوت خود از قواعد طرح را به کمپانی حقوق بین‌الملل ارسال نکرده بودند، تقاضا کرد تا هرچه زودتر نظریات خود را به کارگردها تحویل دهند. در سال 2002 کارگردهای به مورد موضوع اختلافی اول به راه حل سازشگونه دست یافت، اما در مورد «وجود یا فقیدان مصونیت در موارد تفسیل قواعد آمره» اعلام نمودند. همان‌طور که قمیسون حقوق بین‌الملل در گزارش سال 1999، اعلام کردند: 

این موضوع در جزئیات به موارد مشترک قرار نمی‌گیرد و به نظر می‌رسد که آن بحث به پیش‌گیری لازم نرسیده که در موارد حاضر تدوین گردد (Fox, p. 378, 2008, p. 378) هفتم اعلام نمود. اصرار بر گلن‌جندن این بحث در طرح پیش‌نویس ممکن است تصویب آن را به عنوان یک کانونسیون به‌خطر اندازد (Ibid).
بند دوم. آخرین راه حل جبرانی

ایتالیا مدعی بود که میان موضوع تعهد آلمان به پرداخت خسارات به قربانیان و موضوع مصونیت آلمان در پرونده صلاحیت دادگاه‌های دیگر کشورها، ارتباط وجود دارد. مادامی که آلمان به قربانیان نقش شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه، گزانتی پرداخت نکرده است و راه حل مؤثری برای قربانیان باقی نگذاشته است، حق استعداد به مصونیت نزد محاکم دولت مبوقع قربانیان را از دست می‌دهد (ICJ Judgment, para. 45). ایتالیا در لیست های خود اعلام کرده بود که هیچ‌یک از قربانیان در طرح دعا محاکم آلمان موفق نبوده‌اند. همچنین آلمان به شدت در مورد ادعاهای برای پرداخت غرامت به نظام‌های بازداشتی ایتالیایی، مخالفت کرده است. به عنوان مثال آلمان نامه‌ای بار دوازدهم به محاکم ایتالیایی بیان می‌کرد، با این وضعیت آلمان حق استعداد به مصونیت بود. این مفاده است. آلمان مدعی بود که موضوع دعا غرامت بی‌وقت قبل از 18 اوریل 1991 مربوط بود که در صلاحیت دیوان نبود، زیرا موضوع دعوای حاضر، عدم مصونیت دولت آلمان در پرونده صلاحیت ایتالیا است. آلمان در این باره بیان کرد به قرار دیوان استعداد که دعوای متقابل ایتالیا را رد کرده بود. با طرح دعوای مقابل، ایتالیا از دیوان درخواست کرده بود که

1. جالب توجه است که در قضیه پیشنهادی، در فقر از قضیه مجلس لردها اعلام کرده که وجود مستندات کیفری فردی به معنای آن نبود که خود دولت از مصونیت برخوردار نبود.

پ. تجربه رسمی که در زمان تدوین گنواسیون (در سال ۲۰۰۴م) دولت‌ها بر این اعتقاد بوده‌اند که حقوق بین‌الملل عرفی مصونیت دولت‌ها را به شیوه‌ای که ایتالیا مدعی است، محدود می‌سازد. (Jurisdictional Immunities of the State, para. 89)
آلمان را تاکید می‌کند که آلمان مسئول می‌باشد که در مورد حقوق شهروندان اروپایی و امنیت آنها در آلمان تاکید نماید. در مورد حقوق شهروندان اروپایی در آلمان، از جمله حقوق مالیاتی، حقوق آموزشی و حقوق اقامتی، آلمان تاکید می‌کند که آنها را به صورت عادلانه و بهترین شرایط ممکن برای آنها فراهم کند. در این مورد، انتخاب مسئولیت مناسب با اینکه نتایج ممکن است تاکید نماید که آلمان در مورد حقوق شهروندان اروپایی در آلمان تاکید می‌کند که آنها را به صورت عادلانه و بهترین شرایط ممکن برای آنها فراهم کند.

(پارا 99)

(پارا 100)

(پارا 101)

(پارا 102)
دلایل بین‌المللی دادگستری معتقد است که اعمال قاعده «آخرين راه حل جیراتی» نیز در عمل مشکل است و از طرفین دعا می‌خواهدبا انجام مذاکرات دوجانبه در پی یافتن راه حل برای جیرات خسارت قربانیان باشد (104). درکنار نتیجه دارد که «آی دوین در قضیه مصونیت بر مسولیت دولت آلمن هیچ نوع اثری ندارد» (108).

شایان ذکر است که موضوع پذیرفتن با ترکیب استثمار معروف به «آخرين راه حل جیراتی» در کنونی آفراری بکار رفته در قطعات دیوان نیز محسوس یکدیگر. از این سو، بر سر محاکمه دیگر فرضیه را از مصادر آن تانستند، بنا برآمردن بحث بعدی مشابه، به عنوان مفاد بود که مصونیت بسیار در اثربخش بوده در دادگاه‌های داخلی می‌باشد. تا پیش از این معنای است که مقصودی مصونیت حقوقی یک دولت از دادگاه‌های داخلی کشور خارجی بیشتر محسوس با دیپلماتیک بین‌المللی و اکثریت کارکرد (بخش نهایی اثر یک رأی افراری).

بنابراین مصونیت است که اسلام‌داراً دولت‌ها در برابر محاکمه داخلی دیگر کشورها مصونیتی دارند، اما در اوضاع و احوال خاص و استثنایی ممکن است دولت‌های این مصونیت محرز گردد. این وضعیت خاص در صورتی پدید برسد که دولت متخلف از مفاد عرفان دولت نهایی آن حاکمیت قانون و عدالت است، مصونیت و « Nguyens و هستیافیا از حاکمیت به تدریجی جاگراف خود از دست داده و مورد در مرکز نظام حقوقی بین‌المللی قرار گرفته است» (18-19).

با پایان، این تحول در حقوق مصونیت دولت‌ها در طرح کمپیوتر حقوق بین‌المللی و مکانیس مثابه مصونیت دیگر. (Bennouna) بین‌المللی و توکاونیون ملک متعاقب شده است. وی این نکته اساسی را یادآور می‌کند که به همراه ادعای مصونیت، تعهدی نیز وجود دارد و آن دولت با جاییدیده‌ی مصونیت بین‌المللی را می‌کند و ممکن است به شورای مشابه موارد مصونیت در مورد مهاجران مصونیت، مصونیت و هستیافیا از حاکمیت به تدریجی جاگراف خود از دست داده و مورد در مرکز نظام حقوقی بین‌المللی قرار گرفته است» (18).

(18) فاضلیه بناه می‌توسد، دیوان با اعلام این نکته مصونیت. (Bennouna Separate Opinion, para.21)

طرح دعا در اختیار شایع باشد. مصونیت اختیار به دولت خواهد گرفت. اقدامی که به این ترتیب محاکمه حق دسترسی به دادگاه است. اساسی به مورد می‌پردازد و در واقع کلیه از این مورد که این حقوق از این را به اندازه‌ی آزادی بود تا دولت برای اجتناب حاکمیت دیمیتریک از خواهد در برابر دولت مراکز شکایت از استفاده کرده بود که مصونیت از محاسن (Orakhelashvili, 2008:959) به عنوان معنای مهاجران هستیافیا (959) عهدهبردهی حاصله محلی و مصونیت بین‌المللی است به شرط آنکه این مذکرات نوشتیت ویروس کتیپ قضیه را داشته باشد. (Bennouna Separate Opinion, para.21)
ابتالاً به رعایت مصوتین آلمان، بر آن نیبوه است تا اجرای یک قاعدة اساسی دقیق از حقوق
پس از امل، معنی مسلمیت دولت‌ها برای ارتكاب اعمال خلاف حقوق مسلمیت‌ها، را تادییه یک‌پی گیرد.
وی که معتقد است که آلمان باید راه حل برای جرای خسارت بیانداند، اما ادعای ابتالاً دال بر
ابتکار شرایط استثنایی لازم در این قضیه وجود دارد که مصوتین دولت آلمان در محاکم
داخلی ابتالاً را توجه می‌کند. نتیجه‌گیری و فقط آلمان را متعهد به جرای خسارت شکایان از
طريق مداخله دولت‌های دانست (23-20-22). قاضی بونیا به نظر می‌آید
دیوان در ندب 103 رأی مخالفت کرد: زیرا که دولت استقلال آخرین راه حل چنین، را به
بهانه قطعنامه از این تظاهرات در روزه دولت‌ها و آرای قضاوتی رد کرد. اما نوشت که این
با توجه به ماهیت قضیه با بند اقررای رأی دیوان موافق بود زیرا می‌توان آن رأی مصوتین تا نتیجه‌گیری به لالیتی که در این قضیه وجود
تعداد زیرا اولاً واقعی این دعا به دوران جنگ دوم جهانی بازی کردند و دوماً ابتالاً مصوتین
خود در ارتباط با آن واقعی را پذیرفت و جهت جرای خسارت‌های اقداماتی انجام داده
(26). (Bennouna Separate Opinion, para.26.20)

بونیا در ادامه رأی افرادی خود نوشت: «از ناحیه استقلال دیوان متأسفم زیرا بر مصالح
و ویژگی‌های حقوق مسلمیت مبنی نیست زیرا مصوتین اگر تناهی مالی در دامن
علائم برای قربانیان بالش شکست زیرا بالا نشان دهد عوان عصیری از مازورکا صلاحیت موجه باشد.
بابای مصوتین در مفهوم مفید خود، حقیقه مطلق در اختیار دولت نهاد به کمک به
شرط اوضاع و احوال خاص هر قضیه، امکان ندارد. اگر در اختیار یک دولت است تا در پیشگاه
دادرسی خارجی محاکمه نشود» (31).

Ibid, para.31.)

همچنین این مسئله در نتیجه یک دیوان دولت‌ها مطرح شد که آن افراد مستقیماً از حق
دریافت غرامت‌های ناشی از فرض حقوق بین‌دسته، برخورد هستند و با اینکه فقط دولت‌ها به صورت مستقیم و در عارض بین‌المللی از این مسئله بهره‌مند
خواهند شد. باید به این سوال در آراء افرادی و مخالفی برخی قضات دولت نیز معناد
گردد.

قاضی «گروما» در رأی افرادی خود نوشت «۳۱ می‌پذیرد که اشخاص» در دریافت
غرامات ناشی از فرض حقوق بین‌دسته، دیب اینکه اختیار در افرادی حقیقی قانونی
برای طرح دعوای دریافت غرامت به صورت مستقیم عليه دولتی خارجی وجود تداد و

۱ اگر نیبوه است که در قضیه جنجالی دادگاه، تجدیدنظر اکتفای ندارد، اگر جنجال شکنجه نتوانند در دادگاه مصالح ارتكاب
شکنجه طرح دعا کند، برای رعایت ماده ۷ کتاب قانون اروپایی حقوق بشر (حق دسترسی به دادگاه) مساس نبوده، دادگاه
مصوتین آن دولت خواهد بود. در غیر این صورت حق دسترسی به دادگاه از معمای واقع خوند نهی خواهد شد.
کوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ و پرونکل اول الحاقی از چنین فرضیهای حمایت نمی‌کند. این
کوانسیون‌ها نهایاً مقرر می‌دارند که دولت‌ها اگر مقررات این کوانسیون‌ها را نقض کنند باشد
ممکن است تنها دولت‌ها را ملزم نسخه‌های گرامت را مستقیماً به قربانیان پرداخت:

(Koroma Separate Opinion, para. 9)

از سوی دیگر قاضی ترینداد به شدت از حق افراد برای دریافت مستقیم گرامت حمایت
کرد و در مایه انفرادی خود نوشت: «ماده ۳ کوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ روشن‌ساخته است
که هدف ندیدن کننده‌گان این ماده آن بوده است تا مستقیماً به اشخاص انسانی و به دولت‌ها
حق اطلاع تمام‌نما داشته، »(Trindade Separate Opinion, para. 68).

(2) تعیین نبست که در سال ۱۹۰۷ چنین نتیجه‌گیری از این ماده وجود داشته و این مسئله
است که نظام حقوق بین‌الملل در آن دوران، حقوق افراد را به میزان آمرزه به شکلی نشانه‌گذاری
بوده‌است

(Koroma Separate Opinion, para. 9)

قاضی ترینداد از اعلامی حق‌فری در نظام حقوق بین‌الملل تا آن‌جا بیش می‌رود که
مدعی است در موارد حذف قواعد آمر و آنجا که حقوق شخصی، آسیب می‌بیند، دولت
ممکن زبان‌دیدگان نمی‌توانند حق افراد به اخذ گرامت را استقامت نماید. زیرا دولت
نیاز می‌تواند حکم معطل را ساقط کند. نه حقی که به افراد تعلق دارد.

(2) از آنجا به نظر می‌رسد، (Access to Justice) ترینداد تفسیر آلمن از حق «دسترسی به عدالت»
المن معطل بود به تحلیلات اخیر در نظام حقوق بین‌الملل همچون قطع‌العمل شماره
۲۰۰۵/۱۴۷ (۲۰۰۵) مجمع عمومی سازمان ملل متحد و یا پیش‌نویس قطع‌العمل انگلیسی
حقوق بین‌الملل در مورد پرداخت گرامت به قربانیان مخاطبات مسلطانی بر حقوق
عرفی می‌شود و نیز باید یک قاعده قراردادی حقوق بین‌الملل نیست. بلکه باین ان طبع‌های
بوده در آن قاعده جدیدی در حقوق بین‌الملل معروف می‌شاند. (72) اما اثباتی معطل بود
حق درد در دریافت گرامت وجود دارد و مدعی بود که انکار مصوبین آلمن نزد محکم
ایتالیایی یک نشانه که بر اساس جنایی و دیگر موارد به اثبات خود نزد ند محکم آلمن نشاند. جهت
(ICI, Counter-Memorial of Italy, p.80,para.4.103)

در نهایت می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که آلمن همان تفسیر قاضی کروما و اثباتی تفسیر
قابل توجه از مقررات حقوق بین‌الملل را داشته.
نتيجة

يكي من سؤالات مهم في حقوق مصونيت دولتها أن استك查ه رابطه يمكنه قواعد آمره. با القاعدة راعيت مصونيت دولتها برقرار است؟ آيا محاكم داخلي حق على تكليف دارد في بروننهاشي؟ هك موضوع آنها نفس قواعد آمره حقوق بين المالمل است. راعيت مصونيت دولت خارجيه خودداري كنده؟

ورداي نمطات به اين سؤال داده شده است: غروهيو از حقوقدان و مراجع قضائي راعيت مصونيت دولتها را حتی در موارد نفس قواعد آمره لازم مي دانند (البتة) با راعيت ديگر محضويديها بر مصونيت). اما غروهيو ديگر بر برتی قواعد آمره بر قواعد عادي حقوق بين المالمل. از جمله مصونيت دولتها. حكم دادهند.

در قضيه "مصونيت صلاحيتي دولته" (أيار 2012) مسئله تعامل و رابطه مصونيت دولتها با قواعد آمره در پیشگاه دیوان بين المللی دادگستری مطرح و این فرصت فراهم شد تا علی ترین محکمة جهانی در این باره اعلام نظر کند. جرحا دولت ایتالیا در دفاع از ریکرد محاكم داخلي خود اعلام داشت می افدامات دولت آلمان علیه اتباع ایتالیا. نفس قواعد آمره حقوق بشر و بشردوستانه محسوب شده و دولتها در موارد نفس قواعد آمره از مصونيت برخوردار نبیند. دیوان با اذعان بر این واقعیت که آلمان مرتکب نفس قواعد آمره شده است، دولت را کمکمک در بایر محاکم دولتهای خارجی از جمله ایتالیا از مصونيت برخوردار دانست. دیوان اعلام نمود که مصونيت. دفاعهای شکلی است که مانع اعمال صلاحیت دادگاه بک کشور علیه کشور دیگر می شود; در حالی که قواعد آمره، جنیه ماهیتی دارند و حوزه و نقش این دسته قواعد با یکدیگر نمطات است. دیوان بر این اعتقاد بود که شناسایی مصونيت دولت آلمان در پیشگاه محاکم داخلي ایتالیا به معنی پذیرش مشروطه اقدامات خلاف قواعد آمره دولت ایتالیا در طول دوران جنگ دوم جهانی نیست که همگان از جمله طرفین دعوا بر غیرقانونی بودن أن اتفاق نظر دارند. به اعتقاد دیوان، آلمان برای جیزان خسارت نبسته به اعمال خلاف حقوق بين المالمل معطوف می شد. اما این قاعد (تعهد به جیزان خسارت) موجودیتی مستقل از قواعدی دارد که به موضوع ابرار و شبههای چگونگی تحصیل جیزان خسارت می پردازد.

استدلال ديگر خوانده آن بود که قربانیان جز به توسیع به محاکم داخلي ایتالیا، راهکار ديگر برای جیزان خسارت خود نداشتهاید. لذا ایتالیا به عنوان "آخرین راه حل جیزان" در عدم راعیت مصونيت آلمان حق بوده است. اما دیوان پس از بررسی روابط دولتها، محاکم ملي و کنوانسیون‌های مصونیت اروپایی و مثل متحد. اعلام کرد در حقوق بين المالمل نشانی از